

# بازگشت یوز

گزارش «پیام ما» از پنج سال تلاش مردم  
و محیطبانان برای احیای زیستگاه یوز در «میاندشت»

- بازگشت به ابتدای راه
- نجات یوز می‌تواند رؤیا نباشد
- میاندشت؛ الگوی موفق حفاظت
- مشاهده تجربه تلخ انقراض
- افول مشارکت مردم، مرگ یوز
- لذت حفاظت، کمرنگ و کمرنگ‌تر شد



نوبت اول

**آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی دو مرحله ای**

شماره ۴۰۴/۲۸۶ م و یک مرحله ای

شماره ۴۰۴/۳۰۷ م

صفحه ۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

شرکت تولید نیروی برق رامین - امور تدارکات

از گونه‌های جانوری و از جمله یوزپلنگ آسیایی اشاره و اضافه کرد: حفاظت از این گربه‌سان زیبا بدون همراهی و مشارکت جوامع محلی، سازمان‌ها و آحاد مردم ممکن نخواهد بود. سعیدی با بیان اینکه آینده این گونه ارزشمند در گرو اتحاد، همدلی و اقدام مشترک مردم است، گفت: «از همه مردم استان و کشور انتظار می‌رود با افزایش حساسیت و فرهنگسازی نسبت به حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و زیستگاه‌های طبیعی آن، سازمان محیط‌زیست را در این رسالت خطیر یاری کنند.» یوزپلنگ ایرانی یا همان یوز آسیایی (Acinonyx jubatus venaticus) یکی از ارزشمندترین گونه‌های حیات‌وحش ایران است و از نظر علمی، بوم‌شناختی و حتی فرهنگی جایگاه ویژه‌ای دارد. نابودی یوز ایرانی به‌معنای نابودی یک زیرگونه منحصر به فرد در جهان است.

**یوزپلنگ آسیایی نماد مسئولیت مشترک**

تحت مدیریت کشور را در خود گنجانده و ظرفیت‌های تنوع‌یستی بی‌نظیری دارد. «یوسف‌پور با بیان اینکه ۹ شهریور، روز ملی یوز آسیایی نامگذاری شده، ادامه داد: «یوز آسیایی گونه‌ای مهم و ارزشمند و نماد شکوه و سرعت است. کشورمان تنها زیستگاه باقی‌مانده این گونه در جهان است. استان سمنان نیز با داشتن پارک ملی توران و زیستگاه‌های مهم، افتخار میزبانی بخش قابل‌توجهی از جمعیت باقیمانده این گونه نادر را دارد.» مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان خاطرنشان کرد: یوز آسیایی تنها یک میراث طبیعی نیست، بلکه نمادی از مسئولیت مشترک ما در برابر آیندگان است. او به نقش مهم مردم در حفاظت

«یوزپلنگ آسیایی به نمادی از مسئولیت مشترک ما در برابر آیندگان تبدیل شده است.» این را مدیرکل محیط‌زیست استان سمنان می‌گوید. «سعید یوسف‌پور» در آستانه روز ملی یوز آسیایی در حاشیه اکران مستند یوزپلنگ آسیایی از یوزپلنگ به‌عنوان در معرض انقراض‌ترین گربه‌سان جهان نام برد و با اشاره به اهمیت این گونه بارزش بیان کرد: «باید برای نجات این گونه ارزشمند یک اقدام ملی انجام شود.» او گفت: «مهمترین زیستگاه زادآور یوز در استان سمنان قرار دارد.» مدیرکل محیط‌زیست استان سمنان به اهمیت زیست‌محیطی استان سمنان پرداخت و افزود: «استان سمنان ۱۹ درصد مناطق



[۶]

**نگاهی به توانمندسازی جوامع محلی برای حفاظت از میراث‌فرهنگی در بحران‌ها**

# کنش در برابر فراموشی و فجایع

**ایپام** |ا حفاظت از میراث‌فرهنگی در جنگ‌ها و بحران‌ها چه اصول و ضوابطی دارد؟ وقتی جان انسان‌ها در خطر است و منابع، امنیت و دسترسی‌ها محدودند، چگونه می‌توان از میراث‌فرهنگی محافظت کرد؟ آیا در شرایط جنگی اولویت بخشیدن به حفاظت از میراث‌فرهنگی هزینه‌هایی در پی خواهد داشت؟ اینها سؤالاتی است که حالا دیگر برای ما نازگی ندارد. در جریان جنگ دوازده‌روزه بارها با این سؤالات مواجه شدیم و پاسخ‌هایی هم برای آن پیدا کردیم. پس از آتش‌س هم بارها کارشناسان به این سؤالات پاسخ دادند و تجربیات جهانی را مرور کردند. اما حفظ میراث‌فرهنگی در بحران‌ها موضوعی نیست که تنها محدود به شرایط جنگی باشد و از طرفی در کشوری که همچنان سایه جنگ بر سرش سنگینی می‌کند، توجه به این مقوله در شرایطی که آرامش نسبی جریان دارد، از ضروریات است.

حفظ آثار تاریخی و مصادیق میراث‌فرهنگی در جنگ و شرایط بحرانی با محدودیت‌ها و موانعی مواجه می‌شود. اولویت بخشیدن به حفاظت و نجات میراث‌فرهنگی موضوعی است که همواره دواهی‌های اولویت بخشیدن بین جان انسان‌ها و هویت فرهنگی آنها را ایجاد می‌کند. در قرن اخیر و پس از هزینه‌های سنگینی که در جنگ جهانی دوم بر هویت تاریخی بسیاری از کشورها تحمیل شد، سازمان‌های بین‌المللی حوزه میراث‌فرهنگی تلاش کرده‌اند تلاش برای حفاظت از میراث‌فرهنگی را در شرایط بحرانی با اقدامات بشردوستانه سازمان‌هایی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد هماهنگ کنند، اما همچنان اثبات ضرورت حفاظت از میراث‌فرهنگی در شرایطی که جان انسان‌ها در خطر است، بسیار دشوار است. این امری منطقی و پذیرفته‌شده در افکار عمومی بین‌المللی است که سازمان‌های بشردوستانه اولویت را به اقدامات نجات‌بخش مانند تأمین غذا، پناهگاه و خدمات درمانی دهند؛ اما درنتیجه چنین نگاهی، میراث‌فرهنگی موضوعی ثانویه تلقی می‌شود و منجر به غفلت از مصادیق آن در میانه بحران‌ها می‌شود؛ درحالی‌که اماکن و اشیای فرهنگی بخش جدایی‌ناپذیر از هویت جوامع آسیب‌دیده هستند.

**[۶] جامعه محلی به‌منابه حافظان میراث**

بجاور «اوا لیچی» که مسئله حفاظت از میراث‌فرهنگی در بحبوحه جنگ را در تز دکترایش بررسی کرده، آموزش جوامع محلی می‌تواند یکی از راهکارهای اصولی برای حفظ میراث‌فرهنگی در شرایط بحرانی به‌ویژه جنگ‌ها باشد. او در مقاله‌ای با عنوان «فراتر از ویرانه‌ها؛ واکنش اضطراری سازمان‌های جامعه‌مدنی برای حفاظت از میراث‌فرهنگی در مناطق جنگی» که با همکاری «ایزبر سبرین» رئیس سازمان اسپانیایی «میراث برای صلح» تهیه کرده، و انتشارات دانشگاه کمبریج آن را منتشر کرده؛ به همین موضوع پرداخته است. این پژوهش نتهت‌ها به تنش‌های اخلاقی و عملیاتی حفاظت از میراث در شرایط جنگی می‌پردازد، بلکه عملکرد و دستاوردهای کنشگران مدنی در این حوزه را نیز به‌طور انتقادی بررسی می‌کند. یکی از بخش‌های مهم این پژوهش، بررسی نقش جوامع محلی در حفاظت از میراث‌فرهنگی است. هرچند که درگیری‌های مسلحانه، امکان اقدامات فیزیکی گسترده برای حفاظت را محدود می‌کند، اما توانمندسازی و آمادگی جوامع محلی، می‌تواند تفاوتی تعیین‌کننده ایجاد کند. نمونه بارز از موضوع در سودان تجربه شده است؛ جایی که با آغاز درگیری‌ها در سال ۲۰۲۳، داوطلبان محلی بلافاصله وارد عمل شدند و آسیب‌های وارده به سایت‌های فرهنگی را ارزیابی و مستندسازی کردند. این اقدامات در شرایطی

آن کشور خواهد داشت. نکته‌ای که لیچی به آن اشاره می‌کند، نقش کنشگران آموزش‌دیده و آگاه در حفاظت است: «کنشگرانی که با توانایی‌های فراملی، تعامل مؤثر با جوامع محلی و واکنش سریع در شرایط بحرانی، به یکی از عناصر حیاتی در حفاظت از میراث‌فرهنگی تبدیل می‌شوند. در یک‌دهه گذشته، سازمان‌های جامعه مدنی CSO و در معنای گسترده‌تر، سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد به نقش‌آفرینان کلیدی در اقدام عملی در برابر تهدیدات به میراث‌فرهنگی تبدیل شده‌اند. این سازمان‌ها اغلب موفق شده‌اند جای خالی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی چون یونسکو را پر کنند؛ نهادهایی که در بسیاری از موارد در واکنش سریع و کارآمد به پیچیدگی‌های جنگ‌های مدرن با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. درنتیجه، سازمان‌های جامعه مدنی به نهادهایی کلیدی برای حفاظت از میراث‌فرهنگی در شرایط بحران و درگیری‌های مسلحانه تبدیل شده‌اند.» رشد نقش‌آفرینی جامعه مدنی در حوزه میراث‌فرهنگی، نشانه‌ای از شکل‌گیری این ادراک جمعی است که حفاظت از مکان‌های فرهنگی، تلاشی جمعی و جهانی می‌طلبد.

هرچند نهادهای تخصصی روش‌های تئوری بسیاری را برای حفاظت از میراث‌فرهنگی در جریان منازعات و درگیری‌های نظامی تدوین و منتشر کرده‌اند، اما اجرای عملی این راهبردها در شرایط بحرانی اغلب با ناکامی مواجه می‌شود؛ زیرا موانع متعدد از جمله محدودیت‌های لجستیکی، موانع سیاسی و کمبود منابع، اجرائی شدن و اثربخشی این اقدامات را به‌شدت کاهش می‌دهد. در شرایط بحرانی به‌ویژه جنگ، استراتژی‌هایی که نیازمند دسترسی سریع به داده‌های به‌روز یا منابع حمایتی هستند، اغلب به‌دلیل محدودیت‌های تردد، تداوم درگیری‌های نظامی یا زیرساخت‌های از کار افتاده، غیرقابل‌اجرا هستند. موانع سیاسی مانند سیاست‌های محدودکننده دولت‌ها یا ادعاهای متعارض حاکمیتی می‌توانند مشارکت نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جامعه مدنی را در مداخلات حفاظتی با مانع مواجه سازند و یا کند کنند. اینجاسات که نقش جوامع محلی پررنگ می‌شود. لیچی در بررسی‌هایش به این نتیجه رسیده است که: «ایجاد یک نظام واکنش اضطراری تاب‌آورتر در چنین شرایطی ضروری است. سیستمی که مبتن بر هماهنگی میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی میراث، CSOها و جوامع محلی باشد و امکان واکنش بموقع در برابر تهدیدات ناشی از درگیری‌های مسلحانه و بلایای طبیعی را داشته باشد.»

به‌اعتقاد او، این سیستم باید بتواند چابک باشد، از توانمندی‌های محلی بهره ببرد، شکاف میان استراتژی و اجرا را به کمترین میزان برساند و در مجموع باعث تقویت تاب‌آوری میراث‌فرهنگی در مناطق پرتنش شود.

**[۶] سودان؛ بررسی یک نمونه جهانی**

لیچی فعالیت سازمان HfP (Heritage for Peace) که یک سازمان جامعه مدنی CSO تخصصی در زمینه حفاظت از میراث در مناطق بحرانی است را زیر ذره‌بین برده و بررسی کرده است. سازمان HfP در سال ۲۰۱۲ در و بارسلونا، اسپانیا تأسیس شده و متعدد به حفاظت از میراث‌فرهنگی به‌عنوان راهی برای ترویج صلح، تاب‌آوری و توسعه پایدار در مناطق آسیب‌دیده از درگیری است. این مجموعه با بهره‌مندی از تخصص باستان‌شناسان، کارشناسان میراث‌فرهنگی و فعالان حقوق بشر، درزمینه‌هایی از قبیل ارزیابی و مستندسازی سایت‌ها و اشیای میراثی که به‌دلیل بحران‌ها در معرض خطر قرار دارند، فعالیت دارد.

محور اقدامات این سازمان ارزیابی تلاش‌های حفاظتی دولت‌ها، ارائه آموزش به جوامع محلی و کارشناسان میراث‌فرهنگی و مشاوره به جامعه مدنی درباره چگونگی حفاظت از میراث‌فرهنگی در شرایط اضطراری است. HfP هزینه‌های مالی خود را از طریق منابع مختلفی چون صندوق‌های میراث‌فرهنگی، برنامه‌های دولتی حمایت از

میراث در خطر وکمک‌های خصوصی تأمین می‌کند.

یکی از مواردی که لیچی در مقاله خود آن را تحلیل و بررسی کرده، تجربه این سازمان در جنگ داخلی سودان است: «جنگ داخلی سودان در سال ۲۰۲۳ باعث ویرانی گسترده، آوارگی و تکه‌تکه شدن جوامع شد و به تخریب مستقیم و غیرمستقیم میراث‌فرهنگی انجامید. درحالی‌که سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، ایکوموس و صندوق جهانی آثار باستانی چارچوب‌هایی برای حمایت از حفظ میراث‌فرهنگی در مناطق درگیر جنگ ایجاد کرده‌اند، تأثیر آنها اغلب در مواجهه با واقعیت‌های پیچیده میدان جنگ، با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها، دسترسی فیزیکی به مناطق جنگی است. در این مناطق، متخصصان میراث‌فرهنگی اغلب هنگام تلاش برای مستندسازی یا حفاظت از سایت‌های در معرض خطر، با خطرات جانی جدی مواجه می‌شوند. علاوه‌براین، چالش‌های لجستیکی، از جمله امنیت، زیرساخت‌های ناکافی، شبکه‌های ارتباطی محدود و حضور گروه‌های مسلح، مداخله مؤثر را بسیار دشوار می‌کند.» سودان اما با چالش دیگری هم مواجه بود. فضای سیاسی ناپایدار سودان، درگیری‌های نظامی مداوم و تنش‌های قومی، برنامه‌ریزی بلندمدت پروژه‌های حفاظت از میراث‌فرهنگی را مختل کرده بود؛ «دخالت خارجی در حفظ میراث‌فرهنگی در کشورهایی نظیر سودان که مقامات محلی به سازمان‌های بین‌المللی با شک و تردید و بدبینی نگاه می‌کنند، چالشی جدی است. این بی‌اعتمادی می‌تواند منجر به مقاومت مسئولان شود و اثرگذاری این نهادها را کاهش دهد.» سازمان HfP بلافاصله پس از آغاز جنگ داخلی حفاظت از میراث سودان را به‌عنوان یک طرح مستقل آغاز کرد. برخلاف سازمان‌های بزرگ بین‌المللی که اغلب به‌دلیل ساختارهای نهادی خود با موانعی مواجه بودند، این سازمان که متشکل از کارشناسان محلی و بین‌المللی بود، حفاظت از میراث فرهنگی سودان را با استراتژی مبتنی‌بر توانمندسازی محلی و مشارکت مستقیم با جوامع سودانی، بدون توجه به وابستگی‌های قومی یا مذهبی، آغاز کرد. مشارکت محلی به این مجموعه این امکان را داد که به‌عنوان واسطه‌ای میان متخصصان میراث سودان و جامعه جهانی عمل کند.

پیگیری‌های هدفمند همرا با مستندسازی وضعیت میراث‌فرهنگی سودان توسط این سازمان باعث شد رسانه‌های بین‌المللی به مسئله میراث جهانی سودان و آثاری که در بحران موجود در این کشور در خطر قرار داشتند، بپردازند. این اقدامات در شرایطی که حضور فعالان بین‌المللی در این کشور با شرایط بحرانی آن تا حد زیادی غیرممکن بود، تنها می‌توانست نتیجه تلاش و آگاهی کارشناسان و جوامع محلی در زمینه حفاظت و مستندسازی میراث‌فرهنگی باشد. تجربه‌های HfP نقش حیاتی جامعه‌مدنی در حفاظت از میراث‌فرهنگی در جریان درگیری‌های نظامی نشان می‌دهد آنها اغلب به‌عنوان نخستین گروه‌های اثرگذار وارد عمل می‌شوند؛ به‌ویژه در شرایطی که مداخلات نهادهای بین‌المللی یا دولتی کافی نیست. براساس تجربه این سازمان، جوامع محلی و فعالان مدنی نومی نتهت‌ها در حفاظت از میراث در شرایط بحرانی بلکه در بازسازی بلندمدت سایت‌های میراثی پس از پایان درگیری‌ها هم نقش اساسی دارند. یکی از نتایج اصلی این پژوهش، اهمیت همکاری با جوامع محلی است. تجربه‌های سازمان HfP نشان می‌دهند همکاری با افراد محلی که دانش فرهنگی لازم را دارند، برای انجام اقدامات مؤثر در بحران‌ها بسیار ضروری است. این همکاری‌ها باعث می‌شود تلاش‌های حفاظتی براساس نیازهای واقعی و حساسیت‌های فرهنگی جامعه انجام شوند، که درنتیجه پایداری و تأثیر آنها بیشتر خواهد بود. بنابراین، تقویت و توانمندسازی شبکه‌های محلی باید از مهمترین اقدامات پیش از بروز بحران باشد.

## گزارش

هزینه‌های داخلی و جانبی است که هر دو هم‌زمان با نرم تورم در حال افزایش است و طبیعی است که نمی‌توان قیمت دارو را ثابت نگه داشت. این یک امر اجتناب‌ناپذیر است. پایین نگه‌داشتن دسترسی قیمت دارو کار اشیبانهی است و نمی‌توان با این کار ترمز تولید را کشید. باید قیمت‌ها به‌تدریج با نرخ تورم افزایش داشته باشد تا با کمبود دارو مواجه نشویم. از طرفی پرداخت از جیب بیماران متناسب با افزایش قیمت دارو به‌طور مستمر از سوی سازمان‌های بیمه با پرداخت یارانه کنترل شود. اگر نظر من را بخواهید، می‌گویم اینکه قیمت دارو افزایش پیدا کند، بهتر از این است که دارو با کمبود مواجه شود.»

او افزود: «ما در حال تغییر رویکرد هستیم؛ از یک‌سو با شرکت‌های تولید و پخش دارو تعامل می‌کنیم و از سوی دیگر، دنبال تأمین منابع هستیم. در نهایت، این مسیر به دو حالت ختم می‌شود؛ یا باید قیمت‌ها واقعاً تر شوند یا منابع مالی لازم تأمین شود. اگر از من پرسیده شود کدام بهتر است، می‌گویم بهیچ‌عنوان نباید صرفاً به افزایش قیمت تکیه کنیم، زیرا بیمار، به‌ویژه بیماری که با مشکلات سختی مثل سرطان روبه‌روست، توان تحمل چنین فشارهایی را ندارد.»

از گفته‌های جعفریان این توان تعیین قیمت‌گذاری جدید را برداشت کرد، از یک‌سو تولیدکنندگان از وضعیت نقدینگی و افزایش هزینه‌ها انتقاد دارند که این امر می‌تواند به کاهش سطح تولید آنها منجر شود و درنتیجه افزایش کمبودهای دارویی را در پی داشته باشد و از سوی دیگر، فشار به منابع بیمه‌ای نیز که در حال حاضر مطالبات حوزه دارو را با تأخیرهای بسیار زیاد پرداخت می‌کنند، افزایش یابد و هزینه‌های بحران کمبود نقدینگی در این حوزه عمیق‌تر شود. به همین دلیل، بازار دارویی کشور باید خود را برای گرانی دارو و انباشت بیشتر مطالبات دارویی آماده کند.

## پیام‌خبر

آن کشور خواهد داشت. نکته‌ای که لیچی به آن اشاره می‌کند، نقش کنشگران آموزش‌دیده و آگاه در حفاظت است: «کنشگرانی که با توانایی‌های فراملی، تعامل مؤثر با جوامع محلی و واکنش سریع در شرایط بحرانی، به یکی از عناصر حیاتی در حفاظت از میراث‌فرهنگی تبدیل می‌شوند. در یک‌دهه گذشته، سازمان‌های جامعه مدنی CSO و در معنای گسترده‌تر، سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد به نقش‌آفرینان کلیدی در اقدام عملی در برابر تهدیدات به میراث‌فرهنگی تبدیل شده‌اند. این سازمان‌ها اغلب موفق شده‌اند جای خالی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی چون یونسکو را پر کنند؛ نهادهایی که در بسیاری از موارد در واکنش سریع و کارآمد به پیچیدگی‌های جنگ‌های مدرن با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. درنتیجه، سازمان‌های جامعه مدنی به نهادهایی کلیدی برای حفاظت از میراث‌فرهنگی در شرایط بحران و درگیری‌های مسلحانه تبدیل شده‌اند.» رشد نقش‌آفرینی جامعه مدنی در حوزه میراث‌فرهنگی، نشانه‌ای از شکل‌گیری این ادراک جمعی است که حفاظت از مکان‌های فرهنگی، تلاشی جمعی و جهانی می‌طلبد.

هرچند نهادهای تخصصی روش‌های تئوری بسیاری را برای حفاظت از میراث‌فرهنگی در جریان منازعات و درگیری‌های نظامی تدوین و منتشر کرده‌اند، اما اجرای عملی این راهبردها در شرایط بحرانی اغلب با ناکامی مواجه می‌شود؛ زیرا موانع متعدد از جمله محدودیت‌های لجستیکی، موانع سیاسی و کمبود منابع، اجرائی شدن و اثربخشی این اقدامات را به‌شدت کاهش می‌دهد. در شرایط بحرانی به‌ویژه جنگ، استراتژی‌هایی که نیازمند دسترسی سریع به داده‌های به‌روز یا منابع حمایتی هستند، اغلب به‌دلیل محدودیت‌های تردد، تداوم درگیری‌های نظامی یا زیرساخت‌های از کار افتاده، غیرقابل‌اجرا هستند. موانع سیاسی مانند سیاست‌های محدودکننده دولت‌ها یا ادعاهای متعارض حاکمیتی می‌توانند مشارکت نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جامعه مدنی را در مداخلات حفاظتی با مانع مواجه سازند و یا کند کنند. اینجاسات که نقش جوامع محلی پررنگ می‌شود. لیچی در بررسی‌هایش به این نتیجه رسیده است که: «ایجاد یک نظام واکنش اضطراری تاب‌آورتر در چنین شرایطی ضروری است. سیستمی که مبتن بر هماهنگی میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی میراث، CSOها و جوامع محلی باشد و امکان واکنش بموقع در برابر تهدیدات ناشی از درگیری‌های مسلحانه و بلایای طبیعی را داشته باشد.»

انجام شد که امنیت و زیرساخت‌ها به‌شدت آسیب دیده بود، اما شبکه‌ای از کنشگران محلی توانست جریان اطلاعات، آگاهی و حفاظت را زنده نگه دارد. لیچی بر این باور است: «مستندسازی در چنین شرایطی، فقط عملی فنی نیست؛ بلکه کنشی مقاومتی و مراقبتی است که روایت تاریخی را زنده نگه می‌دارد و امکان همبستگی جهانی و اقدام حقوقی را فراهم می‌کند. این کنش نوعی ایستادگی در برابر فراموشی و بی‌پاسخ‌ماندن فجایع است. اگر هدف بازسازی جوامع پس از جنگ است، بایدکنشگران محلی را نغتها به‌عنوان قربانی، بلکه به‌عنوان معماران آینده ببینیم. سرمایه‌گذاری در روابط انسانی، انتقال مهارت‌ها و اعتمادسازی، پیش‌شرط‌هایی ضروری برای بازسازی میراث و امید در دل بحران هستند.»

**[۶] حفاظت از میراث در جنگ‌های مدرن**

آنچه در پالمیرا، بامیان یا موزه بغداد اتفاق افتاد، تخریب عامدانه میراث هویتی یک سرزمین توسط یک گروه با هدف ازبین‌بردن نشانه‌های تمدنی مردم آن سرزمین بود. گروه‌های افراطی به‌طور عمدی میراث‌فرهنگی را هدف قرار می‌دهند تا از طریق تخریب هویت فرهنگی و تاریخ جوامع، انسجام و یکپارچگی اجتماعی آنها را تضعیف کنند. هدف نهایی آنها نابودی پیوندهای فرهنگی و اجتماعی جوامع است که اثرات بلندمدتی بر زندگی مردم افزایش قیمت دارو برای بیماران در قالب یارانه دارو به بیمه‌ها پرداخت شد، بااین‌حال افرادی که تحت پوشش بیمه نبودند، دارو را به قیمت آزاد و چندین برابر قیمت قبل دریافت می‌کردند. از سوی دیگر، برخی از داروها نیز تحت پوشش بیمه نبودند و گران شد آنها برای مصرف‌کننده کاملاً محسوس بود.

**[۶] دولت ناتوان در بازپرداخت بدهی‌های دارویی**

در دو سال اخیر به‌دلیل تأخیر بیمه‌ها در بازپرداخت بدهی به داروخانه‌ها و همچنین تأخیر سازمان هدفمندی یارانه‌ها در پرداخت یارانه دارو، صنعت دارو دچار کمبود نقدینگی شده است. بر همین اساس، وزارت بهداشت در دولت چهاردهم یکی از اولویت‌های خود را ساماندهی وضعیت دارو و تأمین نقدینگی آن قرار داد. به‌گفته یکی از مقامات وزارت بهداشت، بودجه پیشنهادی برای حوزه دارو هیچ‌گاه محقق نشد، تا تهدیدات این حوزه همچنان باقی بماند و احتمال افزایش قیمت دارو نیز وجود داشته باشد.

«علی جعفریان»، مشاور عالی و جانشین وزیر بهداشت، روز شنبه

**مشاور عالی وزیر بهداشت از ضرورت ۱۰۵ همت برای بهبود وضعیت دارو گفت**

# دارو در ایستگاه گرانی

مالی سنگینی بر دوش خانواده‌ها و نظام درمانی می‌گذارد. ازهمین‌رو، بررسی و تحلیل خطرات ناشی از نوسانات قیمتی دارو، تنها یک موضوع اقتصادی نیست بلکه موضوعی است که با سلامت جامعه نیز در ارتباط است.

**[۶] نحوه تعیین قیمت دارو**

قیمت دارو در ایران براساس قوانین سازمان غذا و دارو به‌عنوان رگولاتوری دارو و تجهیزات پزشکی و توسط کمیسیون قیمت‌گذاری دارو که اعضای آن منصوب وزیر بهداشت هستند، تعیین می‌شود. فرایند قیمت‌گذاری نیز به این ترتیب است که ابتدا قیمت یک دارو از سوی تولیدکننده‌ای که پروانه تولید این دارو را دارد، پیشنهاد می‌شود و سپس، قیمت پیشنهادشده با قیمت دارو در کشورهای مرجع و میانگین سایر سازندگان در ایران مقایسه می‌شود. حداکثر قیمت قابل‌پذیرش برای داروی برند اصلی در گمرک ایران سه‌برابر حداقل قیمت فروش به عمده‌فروش آن دارو در کشورهای مرجع خواهد بود. حاشیه سود داروهای وارداتی بعد از اضافه کردن عوارض قانونی پرداخت‌شده توسط واردکننده تا ۱۵ درصد برای شرکت تأمین‌کننده خواهد بود. ضمن اینکه قیمت داروهای برند در ایران به‌صورت ریالی تعیین می‌شود و درصورت تغییر نرخ برابری ارز تا ۱۰ درصد قابل‌بازنگری است.

**[۶] سیاست‌های نادرست دارویی**

در سال‌های گذشته به‌دلیل تغییرات نرخ ارز و افزایش هزینه‌های



**| یاسر مختاری |**

**| روزنامه‌نگار |**

**درحالی‌که بازار دارویی کشور از یک‌سو با کمبودهای دارویی و از سوی دیگر، با کمبود نقدینگی دست‌وپنجه نرم می‌کند، «علی جعفریان»، مشاور عالی و جانشین وزیر بهداشت، در نشست خبری خود از افزایش قیمت دارو برای پیشگیری از کمبودها حمایت کرد.**

دارو در هر جامعه‌ای فراتر از یک کالای اقتصادی، یک ضرورت حیاتی است و به‌صورت مستقیم با جان، سلامت و کیفیت زندگی افراد آن جامعه پیوند دارد. بر همین اساس، هرگونه تغییری در سیاست‌های تولید، توزیع و قیمت آن می‌تواند به بی‌ثباتی فرایند تأمین آن و درنتیجه به خطر افتادن جان بیماران منجر شود. درواقع، افزایش قیمت‌ها توان خرید بیماران را کم می‌کند و آنان را در معرض خطر قطع درمان یا جایگزینی داروهای غیرمطمئن قرار می‌دهد. از سوی دیگر، کاهش یا سرکوب مصنوعی قیمت‌ها نیز تولید و واردات را تحت فشار قرار می‌دهد و زمینه کمبود دارو را فراهم می‌سازد. این وضعیت، علاوه‌بر تهدید سلامت عمومی، بار



## میاندشت الگوی موفق حفاظت



عطیه تک‌تهرانی |  
حفاظتگر

سال ۱۳۹۴ برای اولین بار به‌عنوان حفاظتگر به پناهگاه حیات‌وحش میاندشت قدم گذاشتم. پیش‌تر، انجمن یوزپلنگ ایرانی هر سال برای پیش یوزپلنگ دوربین تل‌های نصب می‌کرد. در بخش پژوهش انجمن، هر ثبت یوزپلنگ موجی از خوشحالی در من ایجاد می‌کرد و از اتفاقات زیستگاه مطلع بودم. تلاش مدیران در این منطقه خشک ستودنی بود. کم‌آبی و آبرسانی به آبشخورها چالش بزرگی بود که منابع زیادی طلب می‌کرد. شاهد زحمات آقای هراتی، موسوی و صفرزاده بودم که نتیجه‌اش امروز در جمعیت بالای آهو و رفق تقریباً کامل مشکل کم‌آبی دیده می‌شود.

میاندشت می‌تواند الگوی موفق برای مناطق حفاظت‌شده کشور باشد. با وجود کمبود محیطبان و بودجه، این منطقه نشان داد تغییر ممکن است. هرچند زیستگاه یوزپلنگ بود، اما در سال‌های اخیر از حمایت کافی سازمان محیط‌زیست برخوردار نشد. پس چگونه به موفقیت رسید؟

نخست، اعتماد به دانش بومی و محیطبانان. در سال ۱۳۹۷، در سفری با حضور حامی مالی، یکی از محیطبانان با الهام از روش دامداران، ساخت آب‌بند در دشت‌های سیل‌گیر را پیشنهاد داد. با حمایت مالی، طرح با ساخت هشت آب‌بند آغاز شد و امروز با مداومت مدیران منطقه در این سال‌ها به ۲۰ آب‌بند رسیده که مشکل آبرسانی به آبشخورها را حل کرده است. با تنها سه چشمه طبیعی با آبدی پایین در ۸۵ هزار هکتار و جمعیت بالای آهو، تأمین آب با تراکتور در تابستان‌های سوزان کویر طاقت‌فرسا بود و تأمین آب از جاهای مردم محلی، محیطبانان را در برابر مردم محلی قرار می‌داد. حالا آب ذخیره‌شده در آب‌بندا نه‌تنها نیاز آبشخورها را برآورده می‌کند، بلکه به دامداران مجاز هم کمک می‌رساند. این همکاری، کلید موفقیت میاندشت بوده است.

اعتماد آقای صفرزاده به مردم محلی و مشارکت آنها در حفاظت، کمتر در مناطق دیگر دیده می‌شود. حضور داوطلبان در گشت‌زنی برای جلوگیری از تصادف یوزپلنگ‌ها، بازدیدهای اطراف آب‌بنداها... توان حفاظتی را افزایش داده و حس تعلق را در مردم بیدار کرده است. این مشارکت به حفاظت بهتر منطقه منجر شده است.

آغوش باز مدیر منطقه به طرح‌های جدید و استفاده از علم روز مورد دیگری است که باید به آن اشاره کنم. این مورد را زمانی که ایده ساخت آبشخور استاندارد را با آقای صفرزاده مطرح کردیم، به‌طور عمیق حس کردم. وجود دغدغه مشترک در این مورد و طرح پیشنهادات تکمیلی در طراحی آبشخور استاندارد و در نهایت ساخت آن برای اولین‌بار در ایران، علاقه این مدیر دلسوز را به بهبود وضعیت منطقه‌اش با در نظر گرفتن نکات علمی و تجربی نشان می‌داد؛ کاری که امروز تبدیل به یک دستورالعمل قابل‌اجرا در بسیاری از مناطق کشور شده است.

میاندشت می‌توانست بعد از اذیت‌دادن آخرین یوزپلنگ خود در سال ۱۳۹۷ به یک زیستگاه خشک و با تراکم پایین حیات‌وحش تبدیل شود که در گوشه‌ای از ایران با محیطبانانی بی‌انگیزه در حال غرق شدن در مشکلاتش باشد. ولی برعکس توانست با حل مسئله بی‌آبی، افزایش پوشش گیاهی، رساندن جمعیت آهو به بیش از چهار هزار فرد، مجدداً میزبان حضور یوزپلنگ‌ها بعد از گذشت شش سال شود و این چیزی نیست جز موفقیت تمام‌عیار در حفاظت. امیدوارم مدیران نیز این موفقیت را نادیده نگیرند و ارزش بالای آن را ارج نهند.

## گزارش «پیام ما» از پنج سال تلاش مردم و محیطبانان برای احیای زیستگاه یوز در «میاندشت»

# بازگشت یوز

«به‌اندازه یک‌دهم توران هم دیده نشده‌ایم. از سال ۸۸ نه نیروی محیطبانانی زیاد شده و نه تجهیزات. پارک ملی توران برای هر پاسگاه محیطبانانی یک خودرو دارد، اما ما حتی یک خودروی عملیاتی نداریم! از ابتدایی‌ترین ابزار حفاظتی محروم‌ایم. آب داریم، ولی آبرسانی با تراکتور با ظرفیت فقط سه تا چهار هزار لیتر انجام می‌شود، درحالی‌که استان‌های خراسان جنوبی و سمنان کامیون‌های مخصوص آبرسانی ۱۲ هزار لیتری دارند.» اینها گفته‌های «احمد صفرزاده»، رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان جاجریم، است. پناهگاهی که با پنج سال کوشش مداوم او، محیطبانان، مردم محلی و همراهی اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست خراسان شمالی احیا شده و شاهد حضور دوباره یوزپلنگ آسیایی بوده است. در روز ملی یوز درحالی‌که همه نگاه‌ها به‌سمت توران چه به‌لحاظ زیستگاه، سایت فراجمعیت و جاده عباس‌آباد است، سراغ میاندشت رفتیم.



فاطمه باباخانی |  
روزنامه‌نگار

بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ مشاهده‌ای از یوز در پناهگاه میاندشت ثبت نشد، همین موضوع بحث‌هایی درباره انقراض محلی این گونه در این زیستگاه را مطرح کرد. اما مجموعه‌ای از برنامه‌های حفاظتی که از سال ۱۳۹۹ «احمد صفرزاده»، رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان جاجریم، همکاری‌اش و جامعه محلی انجام دادند، یوز را بار دیگر به این زیستگاه برگرداند. به‌طوری‌که امروز پناهگاه حیات‌وحش میاندشت یکی از زیستگاه‌های اصلی یوز است. به‌گفته صفرزاده سال ۱۳۹۹ که او درگیر حفاظت از این پناهگاه حیات‌وحش شد، جمعیت آهو حدود یک هزار و ۲۰۰ تا یک‌هزار و ۳۰۰ و جمعیت قوچ‌ومیش حدود ۱۰ تا ۲۰ فرد بود. «در ظاهر شاید تعداد طعمه‌ها قابل‌قبول به‌نظر برسد، ولی سه نیاز اصلی زیستگاه که برای ما حیاتی‌اند، یعنی آب، غذا و امنیت، کاملاً دچار مشکل بود. در مناطق کویری اگر دو سه روز آب نباشد، حیوان مجبور به ترک زیستگاه می‌شود و ممکن است اتفاقات ناگواری رخ بدهد.»

وضعیت وخیم آب باعث شد تأمین آب به‌عنوان گام نخست احیای منطقه مدنظر قرار گیرد. «از جاهای کشاورزی آب می‌خریدیم و با تانکر به منطقه می‌آوردیم. اما نه‌فقط در تأمین، بلکه در توزیع آب هم مشکلات زیادی

داشتیم. در آن چندسال اول، آبرسانی واقعاً یکی از سخت‌ترین چالش‌های ما بود.» در این دوره، کارهای پایه‌ای مثل ترمیم آبشخورها یا استفاده از تلمبه‌های بادی هم مدنظر قرار گرفت، اما همچنان تأمین آب با مشکل مواجه بود. صفرزاده و همکارانش با کمک فعالان محلی توانستند مسله را با بهره‌گیری از دانش محلی و احداث بندسارها (بندهای خاکی) حل کنند.» در این چندسال حدود ۲۰ بند خاکی در نقاط مختلف ساختیم. البته بعضی‌ها در چانمایی مشکل داشتند، ولی کم‌کم تجربه کسب کردیم و الان می‌دانیم دقیقاً کجا باید بند بزنیم تا بهترین بازده را داشته باشد. این بندها واقعاً ما را نجات دادند. در فصل بهار، با همین بندها می‌توانیم چهار تا پنج ماه آب کافی داشته باشیم.»

در مرحله بعد، ذخیره آب‌بنداها به‌شکلی که در تابستان قابل‌استفاده باشد، در دستورکار قرار گرفت. «استخرهای ذخیره آب و مخازن بزرگی ساختیم که آب بندسارها را ذخیره می‌کرد. امسال که بارندگی در میاندشت از همیشه کمتر بود، به لطف این ذخیره‌ها ما مشکلی برای تأمین آب نداشتیم و حتی ذخایرمان بیشتر از مصرف هم بود.»

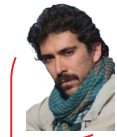
بندهای خاکی نه‌تنها باعث ذخیره آب شدند، بلکه به احیای پوشش گیاهی هم کمک کردند. «از نظر پوشش گیاهی هم بندهای

خاکی به‌مرور باعث رشد پوشش سبز و علوفه شدند. امسال حدود ۱۰ هکتار بذرکاری با کمک همیاران و بدون استفاده از حتی یک ریال بودجه دولتی داشتیم. کاری که در پروژه‌های منابع طبیعی و محیط‌زیست با بودجه‌های سنگین انجام می‌شد، ما با ظرفیت مردمی و بدون پیمانکار انجام دادیم.»

آب که جمع شد و پوشش گیاهی بهبود یافت، اکوسیستمی جذاب برای پرندگان شکل گرفت: «از نتایج دیگر بندهای خاکی، حضور گسترده پرندگان مهاجر بود. همین سال گذشته، سه تا چهار هزار پرنده در میاندشت مشاهده شدند. حتی با وجود گرمای تابستان، در اطراف بندهایی که هنوز کمی آب دارند، اکوسیستمی شکل گرفته است و مجموعه‌ای از جانوران زیست می‌کنند.»

در این سال‌ها آموزش هم مدنظر قرار گرفت. «بومی اینجا هستیم، از سال ۸۸ تا ۹۴ میاندشت بومد و منطقه را می‌شناختم. سال ۹۹ که دوباره برگشتم، یک تیم مردمی به‌نام «تیم مشارکت مردمی یوزپلنگ آسیایی» برای نال‌کاری راه‌اندازی کردیم. ۱۰ کمپته داشتیم؛ از دانش‌آموزان گرفته تا دامداران و کشاورزان. هر کمپته برای خودش چندین عضو فعال داشت. گرچه انجمن نبودند، ولی همراهی می‌کردند. سه دوره همایش یوز بدون هیچ هزینه‌ای از اعتبارات دولتی برگزار کردیم

## بازگشت به ابتدای راه



امیرحسین خالقی |  
حفاظتگر

سرنوشتی را برای جامعه مدنی فعال در این حوزه پیش‌بینی نمی‌کردند. نتیجه آنکه پس از دو دهه، نه‌تنها پر شمار تشکلهای تخصصی و ملی افزوده نشد، بلکه همان چند نهاد تخصصی نیز زیر فشارها به‌تدریج کارکردشان را از دست دادند و به تعطیلی کشانده شدند. در همین حال، یوزپلنگ آسیایی با وجود شهرت جهانی‌اش به موضوعی امنیتی بدل شد و همین امر بسیاری را از مشارکت در حفاظت آن ترساند.

در جامعه مدنی، بسیاری تشکلهای تخصصی را به فساد متهم می‌کنند و حتی ورود منابع مالی به پروژه حفاظت از یوز را عاملی برای بروز فساد و کاهش اثربخشی حفاظت می‌دانند. «باین‌حال، پس از نزدیک به ۲۰ سال فعالیت در این مسیر، باور دارم که اگرچه نمی‌توان فساد برخی افراد یا تشکلهای را نادیده گرفت، اما نباید آن را به کل این فرایند تعمیم داد. درواقع، اگر پروژه‌های حفاظتی مشابه در سطح جهان را برای گونه‌های در خطر انقراض بررسی کنیم، حتی آنها که به‌اندازه یوز در شرایط دشوار قرار نداشتند، مانند ببر یا پلنگ برقی، مشخص می‌شود که منابع مالی اختصاص یافته برای حفاظت یوز، گونه‌ای به‌شدت در خطر انقراض، در طول دو دهه، رقم ناچیزی بوده و همچنان یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر حفاظت واقعی این گونه بوده است.»

قطعاً عوامل زیادی یوز و حفاظت از آن در ایران را به این ورطه کشانده‌اند و موارد بسیار دیگری نیز وجود دارند. اما نقطه اتصال بسیاری از این مشکلات، چیزی نیست جز حکمرانی کم‌ظرفیتی یا بد (در این متن وارد دسته‌بندی‌های فنی و تخصصی حکمرانی

نمی‌شوم و برای ساده‌سازی بحث از واژه حکمرانی بد استفاده می‌کنم.)؛ همان چیزی که امنیتی شدن، فساد مالی، رکود بدنه کارشناسی و کاهش مشارکت جامعه مدنی و... را بهم پیوند داده است.

حکمرانی بد، آن حکمرانی‌ای است که نه می‌تواند در ارتباطی سازنده با دستگاه‌های امنیتی، سایه امنیتی شدن را از سر محیط‌زیست و از حضور جامعه مدنی بردارد و نه قادر است مسیر را برای مشارکت واقعی مردم و نهادهای محلی هموار کند. حکمرانی بد، همان حکمرانی‌ای است که توان جذب منابع مالی از بیرون دولت را ندارد و در نتیجه حفاظت را به بودجه‌های محدود و ناپایدار دولتی گره زده است.

حکمرانی بد، متخصصان و دلسوزان را به‌پناه‌های مختلف کنار می‌گذارد تا جای آنان را کسانی بگیرند که اهدافی غیر از نیازهای واقعی حفاظت را دنبال می‌کنند. حکمرانی بد، فضای رقابتی را بین تشکلهای و انجمن‌ها ایجاد می‌کند، به‌جای آنکه مشارکت همه را به‌کار گیرد. این موضوع باعث شده است انجمن‌ها به‌جای هم‌افزایی برای پیشبرد امر حفاظت، درگیر مسائل حاشیه‌ای شوند.

کسی که خودش را صاحب طبیعت می‌داند، حتی نتوانست فضای رقابت را از تشکلهای بگیرد و فضایی برای مشارکت همه بسازد. حکمرانی بد، درحالی‌که از حفاظت یوز و زیستگاه‌هایش سخن می‌گوید، هم‌زمان اجازه می‌دهد جمعیت شتر در زیستگاه‌های کلیدی یوز رشدی چشمگیر داشته باشد؛ تضادی که عملاً امکان بقا را از گونه‌های یوز چوب گرفته است.

حکمرانی بد، پس از حدود بیست سال تلاش در پروژه‌های مانند «حفاظت از یوز آسیایی» ما را دوباره به خانه اول بازگردانده، بی آنکه از نسل‌های پیشین و مجریان آن پروژه چیزی باقی مانده

باشد؛ نه تجربه‌های تثبیت‌شده، نه نهادی پایدار و نه حتی نیروی انسانی ماندگار.

آیا حکمرانی‌ای که حضور جامعه مدنی را نه به‌عنوان بازوی مکمل بلکه به چشم مزاحم و رقیب می‌بیند، اساساً می‌تواند در مسیر حفاظت از تنوع‌زیستی موفق باشد؟ حکمرانی‌ای که حضور هیچ کنشگر مسئولی را بر نمی‌تابد و تنها همراهی‌های بی‌خطر را می‌پذیرد، بیشتر در پی بازتولید وضعیت موجود است تا حل مسئله. چنین ساختاری به‌جای آنکه ظرفیت‌های جامعه را در کنار خود بگذارد، انرژی خود را صرف مهار و حذف نیروهای مستقل می‌کند. در نتیجه، نه‌تنها در دستیابی به اهداف حفاظتی ناکام می‌ماند، بلکه بی‌اعتمادی و دل‌زدگی عمومی را هم تعمیق می‌کند.

سازمان محیط‌زیست حفاظت‌نگران مستقل را که هیچ، حتی همیارانی را که برای کمک به محیطبانان استخدام می‌کند، از خود و قبیله خود نمی‌داند.

سازمان محیط‌زیست در روندی معیوب، جامعه مدنی را به ابزاری برای توجیه تصمیم‌ها و سیاست‌های خود بدل کرده است، نه به آن‌هم با یوزهایی به‌مراتب کمتر؛ اما جامعه مدنی بسیار قوی‌تری، اما جایی در تصمیم‌سازی‌ها ندارد.

تلاش مدیران کوفی سازمان محیط‌زیست برای تغییر روند موجود دیده می‌شود و کمی امیدبخش است، اما حقیقت این است که در مقیاس کلان، سازمان محیط‌زیست و ساختار حکمرانی آن نیازمند بازنگری اساسی است.



محمدرفا برای |  
حفاظتگر



-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

محیطبانان زیستگاه یوز در خراسان‌شمالی فراموش شده‌اند. زمانی نگاه متفاوتی به محیطبان یوز بود و آنها در سطح دیگری قرار داشتند. پروژه یوز ملی که فعال بود، جوکارو اسلامی خودشان به محیطبان‌ها سر می‌زدند، اما الان نه دوره آموزشی داریم، نه بازید مسئولان. درحالی‌که ما باید برای حفاظت این زیستگاه‌های شکننده، محیطبان‌های توانمند و باتکیزه داشته باشیم. اگر یأس و ناامیدی غالب شود، هیچ امکاناتی ما را نجات نمی‌دهد.»

**ک** **میان‌دشت، الگوی موفق از حفاظت**

«باقر نظامی»، مدیر پروژه ملی یوزپلنگ آسیایی و زیست‌بوم‌های مرتب، برای سال‌ها میان‌دشت و تحولات آن را رصد کرده است. «از زمانی که «کوشکی»، یوز نر سایت تکثیر، به میان‌دشت رفت، مشاهدات یوز در این منطقه افزایش پیدا کرد. با رفتن کوشکی مشاهدات کاهش یافت. امیدواریم که با توجه به الگوی مدیریت بسیار خوبی که در استان خراسان‌شمالی در این منطقه در حال انجام است، شاهد افزایش جمعیت و مشاهدات یوز در آن باشیم.»

او الگوی حفاظت در میان‌دشت را موفق می‌داند. «با مدیریت منابع آب به روش‌های سنتی، احیای پوشش گیاهی، حفاظت بسیار مؤثر گونه‌ای مثل آهو، یک الگو و نمونه مثال‌زدنی در میان‌دشت شکل گرفته است.»

**ک** **هزار مانع برس مشارکت مردم**

«ابراهیم حسینی»، از فعالان محلی، بیش از ۱۵ سال است که برای حفاظت از میان‌دشت فعالیت می‌کند. او در طرح ایجاد بندهای خاکی دخیل بود و با همکاری محیطبانان و… توانستند پوشش گیاهی منطقه‌ای را که به آن «دق» می‌گفتند، احیا کنند. «در زمان مدیریت آقایان آبسالان، هراتی، موسوی و اکنون صفرزاده، در منطقه فعال بودام. به‌این‌ترتیب، ۱۶–۱۷ سال است که برای حفاظت از میان‌دشت کاری‌کنم.»

عمده فعالیت حسینی و دوستانش در زمینه گشت، کنترل و پایش زیستگاه در کنار سرشماری است. بااین‌حال، آنها هم مشکل کم ندارند. «یکی از اصلی‌ترین مشکلات ما موضوع ثبت انجمن بود. با اینکه سال‌هاست در این حوزه فعالیت داریم، اما هر بار تلاش کردیم NGO ثبت کنیم، با مخالفت مواجه شدیم. در یک دوره نگاه امنیتی شدیدی وجود داشت. اساسنامه ما ده‌ها بار رد شد و حتی پس از اصلاح نیز مشکلاتی به‌وجود آمد و نهایتاً موفق به ثبت رسمی نشدیم.»

آنها با وجود تمام مسائل سه سال پیاپی همایش یوز را برگزار کرده‌اند. «از‌آنجا‌که اداره‌کل نقشی در برگزاری نداشت، با ما مخالفت کردند. درحالی‌که ما همواره نماینده‌ای از اداره‌کل را دعوت می‌کردیم. امسال هم می‌گویند همایش را برگزار نکنید. هیچ حمایتی از ما نمی‌شود. حتی اگر NGO رسمی هم می‌بودیم، باز حمایتی نمی‌کردند. در قالب تیم مشارکت مردمی هر

برنامه‌ای که بخواهیم انجام دهیم، با مانع‌تراشی مواجه می‌شویم. برای برگزاری کلاس آموزشی مجوز صادر نمی‌کنند یا اجازه ورود به منطقه نمی‌دهند.»

در کنار تمام این محدودیت‌ها حسینی و دوستانش بیکار ننشسته‌اند. «کلاس‌های آموزشی متعددی برگزار کردیم؛ از جمله درباره خزندگان، پرنندگان و حتی برنامه‌های دوچرخه‌سواری در حاشیه میان‌دشت داشتیم. در دو سال گذشته هم به کمک آقای صفرزاده تیم مشارکت مردمی تشکیل داده‌ایم.»

این فعال محیطزیست به افزایش جمعیت حیات‌وحش در دو دهه اخیر اشاره می‌کند. «از سال ۱۳۸۵ وضعیت بسیار بحرانی و جمعیت آهو به حدود ۱۳۰ فرد کاهش یافته بود. آن سال‌ها به‌واسطه این کاهش جمعیت تصمیم داشتند میان‌دشت را از فهرست مناطق چهارگانه خارج کنند، اما به لطف تلاش‌های آقای هراتی، محیطبانان و روابط سازنده با جوامع محلی، جمعیت به‌تدریج افزایش یافت و به یک‌هزار و ۵۴۰ فرد رسید. در سال ۱۳۹۵، با همین جمعیت، منطقه به آقای موسوی تحویل داده شد. یکی‌دو سال خشکسالی و… موجب افت جمعیت شد. اما آقای صفرزاده با مدیریت منابع آب و برقراری روابط مؤثر با جوامع محلی توانست مجدداً شرایط را بهبود دهد.»

به‌گفته حسینی، بزرگ‌ترین چالش میان‌دشت طی نیم‌قرن گذشته همواره تأمین آب برای حیات‌وحش بوده است. «یکی از محیطبانان باسابقه به‌نام آقای پوررضوان که قبلاً چوپان بوده، نقل می‌کرد که ما در گذشته با بیل و ابزار ابتدایی بندهای خاکی در مسیر سیلاب می‌ساختیم تا دام‌هایمان از آب باران بهره‌مند شوند. همین دانش بومی الهام‌بخش طرح‌های جدید شد. در مسیر سیلاب، بندهای خاکی را ساختیم و اکنون، با وجود گرمای شدید و خشکسالی بی‌سابقه، همچنان دو تا سه بند دارای آب هستند و نیاز حیات‌وحش را تا زمستان و بارندگی بعدی تأمین می‌کنند. این دستاوردها مرهون تلاش محیطبانان و همراهی جوامع محلی است. ما هم هر آنچه در توان داشتیم، در زمینه آموزش و فعالیت‌های مشارکتی انجام دادیم.»

«رضا شکاریان»، مدیرکل حفاظت محیطزیست استان خراسان‌شمالی، تعداد مشاهدات یوز در سال ۱۴۰۳ را ۱۵ مورد و در پنج‌ماهه اخیر سال جاری را هشت مورد عنوان کرد. «با تلاش‌های صورت‌گرفته شاهد حضور دوباره یوز در میان‌دشت بودیم. ضمن آنکه جمعیت آهو نیز در پناهگاه حیات‌وحش میان‌دشت به‌شکل قابل‌قبولی افزایش یافت. در حال حاضر خراسان‌شمالی زیستگاه پرجمعیت‌ترین جمعیت آهو در ایران است.»

به‌گفته این مقام مسئول فعالیت‌های انجام‌شده در میان‌دشت باعث شد در سومین همایش پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده احمد صفرزاده، رئیس اداره محیطزیست جاجر،م، جایزه ایده برتر را دریافت کند.

## مشاهده

# تجربه تلخ انقراض

می‌شد در مسیر انقراض قرار دارد، فراهم نمی‌شود. تجربه‌های جهانی به‌روشنی نشان داده‌اند که استفاده صرف از دوربین‌های تله‌ای، تنها تصویری تار و نامفهوم از جمعیت ارائه می‌دهد. برای شناخت دقیق‌تر رفتار گونه، عادات، ترجیحات زیستگاهی و غذایی، بهره‌گیری

از فناوری گردنبندهای ماهواره‌ای ضروری است. این فناوری می‌توانست اطلاعاتی متفاوت و حیاتی از زندگی این گونه در اختیار ما قرار دهد. شاید اگر وارد این بخش از تحقیقات می‌شدیم، امروز با چنین وضعیتی مواجه نبودیم. تأسف‌برانگیز است که هیچ‌گاه شرایط لازم برای استفاده از این فناوری برای این گونه ارزشمند فراهم نشد.

مرور خاطرات تلخ و شیرین این ۱۶ سال، به‌روشنی نشان می‌دهد که ما در مسیری نادرست گام برداشتیم. گویی از ابتدا، اراده‌ای جدی برای حفظ و حراست از این گونه، در دشت‌های کشور وجود نداشت. ما تلاش کردیم با کمترین امکانات و منابع، اما با بیشترین انگیزه و تعهد، نقشی مؤثر در روند جمعیتی یوزپلنگ آسیایی ایفا کنیم؛ اما کور بودیم و شناخت کافی نداشتیم.

امروز، حفظ آخرین افراد باقیمانده، همچون جراحی بسیار خطرناک و با خون‌ریزی شدید شده است که نه‌تنها کار هر جراح و متخصصی نیست، بلکه کمتر جراح حاقق و مجربی نیز جرئت دست به تیغ شدن را دارد. البته، ذکر این نکته ضروری است که در تمام این سال‌ها، هیچ تلاشی برای تربیت جراحانی حاذق برای چنین روزی صورت نگرفت. ازدست‌دادن سریع‌ترین گربه‌سان روی کره زمین، تلخ‌ترین و گران‌بهاترین تجربه برای یک حفاظتگر است؛ حفاظتگری که خود نیز در حال انقراض است. شاید معجزه‌ای در انتظارمان باشد…

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-





نوبت اول

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شماره ۴۰۴/۲۸۶ م و یک مرحله‌ای شماره ۴۰۴/۳۰۷ م



وزارت نیرو  
شرکت مادر تخصصی تولید نیرو برق حرارتی  
شرکت تولید نیرو برق رامین

شرکت تولید نیرو برق رامین در نظر دارد مناقصات به شرح جدول ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شرکت های واجد صلاحیت واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

شماره مناقصه	عنوان	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)	تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	هزینه خرید اسناد مناقصه از طریق سامانه	مبلغ تضمین شرکت در فراخوان	آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت	مهلت زمانی ارائه پیشنهاد	زمان بازگشایی پاکت ها
۴۰۴/۲۸۶ م	خرید ۲۰۰ بشکه روغن ترانسفورماتوربروکاد رامین	۲۰۴۰۰۵۵۳۳۴۰۰۲۵	شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۰۸	۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال	۶۰۹۵۰۰۰۰۰۰ ریال	۱۹۰۰۰ ساعت شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۱۱	۱۹۰۰۰ ساعت شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۱۶	۰۹:۱۰ ساعت روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۶/۲۶
۴۰۴/۳۰۷ م	احداث زیرگذر جاده اصلی (زرگر) به روش تلاف گذاری	۲۰۴۰۰۵۵۳۳۴۰۰۲۶	شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۰۸	۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال	۶۰۹۵۰۰۰۰۰۰ ریال	۱۹۰۰۰ ساعت شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۱۱	۱۹۰۰۰ ساعت شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۱۶	۰۹:۱۰ ساعت روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه: آدرس اهواز - بلوار آیت الله بیبهانی - ابتدای بلوار شهید نواب صفوی - معاونت بهره برداری - شرکت تولید نیرو برق رامین و تلفن: ۰۶۱-۹۱۰۰۲۰۶

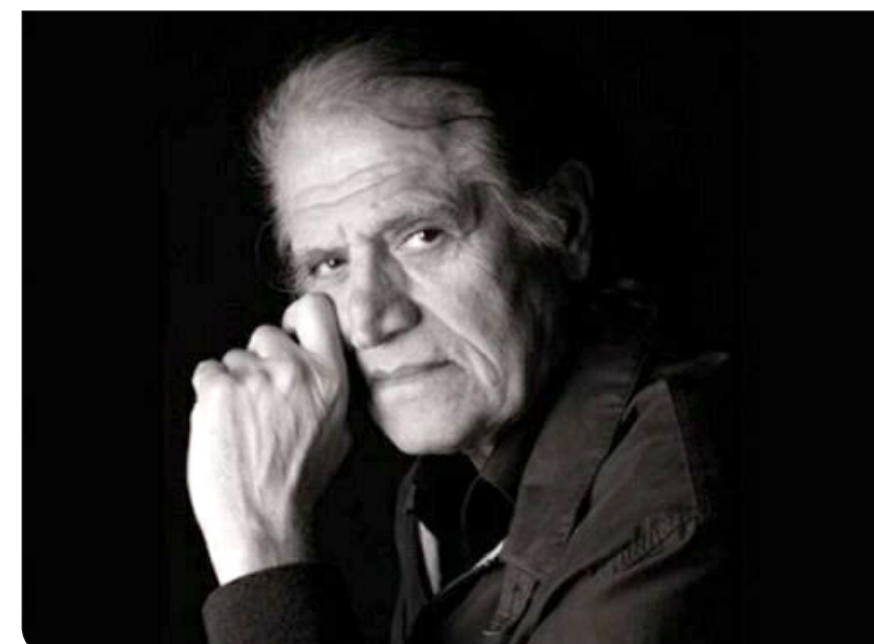
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: - مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶  
دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۸۵۱۹۳۳۷۸  
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت  
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات  
پایگاه اطلاع رسانی معاملات شرکت مادر تخصصی تولید نیرو برق حرارتی  
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

WWW.Setadiran.ir  
<https://iets.mporg.ir>  
<http://tender.tpph.ir>

شرکت تولید نیرو برق رامین - امور تدارکات

درباره «احمد پژمان» که در آمریکا چشم از جهان فرو بست

نوآور موسیقی



احمد پژمان، از برجسته‌ترین آهنگسازان و موسیقی‌دانان ایران که نوآوری و پیوند میان سنت و مدرنیته در موسیقی ایرانی را رقم زد، پس از گذراندن یک دوره بیماری در ۹۰ سالگی در آمریکا از دنیا رفت. او که در ۱۸ تیر ۱۳۱۴ در شهر لار به دنیا آمد، از کودکی با شور و عشق به موسیقی آشنا شد؛ حتی نخستین تجربه‌اش با صداسازی با نی‌های

بریدنی از نوازهای اطراف مدرسه‌اش رقم خورد. پس از مهاجرت خانواده به تهران، پژمان تصمیمی سرنوشت‌ساز گرفت و به‌جای هزینه کردن برای کلاس زبان، ویولن خرید تا راه خود را در دنیای موسیقی آغاز کند. آموزش حرفه‌ای او زیر نظر استادان بزرگ ایرانی چون «منوچهر معارفی»، «حسنت سنجری» و «پرویز منصوری»

شکل گرفت و با فعالیت در ارکستر هنرستان موسیقی و ارکستر سمفونیک تهران، تجربه‌های فراوانی کسب کرد. بورسیه‌ای که دریافت کرد، او را به وین و سپس به دانشگاه کلمبیا در نیویورک برد، جایی که نزد اساتیدی برجسته موسیقی کلاسیک و الکترونیک را آموخت و پایه‌های فنی آثارش را مستحکم کرد. بازگشت پژمان به ایران، نقطه‌عطفی در موسیقی کلاسیک ایرانی بود. او نخستین اپرای ایرانی با نام «جشن دهقان» را خلق کرد و پس‌از آن اپراهای «دلاور سپند» و «سمندر» را به روی صحنه برد که همه در تالار رودکی اجرا شدند. علاوه بر فعالیت در موسیقی کلاسیک، پژمان همکاری‌های گسترده‌ای با سینما داشت و موسیقی فیلم‌های مهمی همچون «شازده احتجاب» را ساخت. سبک پژمان تلفیقی از موسیقی محلی و ردیف ایرانی با تکنیک‌های هارمونی و ارکستراسیون غربی بود. او همواره تأکید داشت ادبیات ایران، به‌ویژه اشعار فردوسی و حافظ، منبع الهام اصلی‌اش در آهنگسازی است. پژمان معتقد بود شناخت عمیق موسیقی میهنی، شرط اصلی برای خلق آثاری اصیل است و موسیقی او تلاشی بود برای حفظ رنگ و بوی ایرانی در قالبی نوآورانه. آثار او نمتنها در ایران بلکه در اروپا، آمریکا و آفریقای جنوبی اجرا شده و از سوی بزرگان موسیقی ایران مانند «محمد رضا شجریان» و «حسین علیزاده» تحسین شده‌اند. پژمان نخستین آهنگساز ایرانی بود که اپرا نوشت و با دریافت جوایز متعددی از جمله سیمرغ بلورین بهترین بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر، جایگاه خود را در تاریخ موسیقی ایران تثبیت کرد. پژمان که بین ایران و آمریکا رفت‌وآمد داشت، در ۷ شهریور در لس‌آنجلس چشم از جهان فرو بست، اما میراث هنری او در موسیقی ایران و جهان تا همیشه زنده و الهام‌بخش خواهد ماند. اخبار آنلاین

نفت و گاز مارون با سهمی چشمگیر از دستاوردهای دولت چهاردهم در بخش انرژی



مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در گزارشی که به مناسبت هفته دولت ارائه داد، ضمن ادای احترام به مقام شامخ شهدای دولت گفت در پیشبرد رسالت اصلی شرکت، تحقق حدود ۱۰۰ درصدی برنامه تولید نفت خام در می‌توان به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین دستاورد این شرکت در دولت چهاردهم برشمرد. مهندس قباد ناصری، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون را رهبر کریدور اصلی انتقال نفت خام حوزه‌های غرب و شرق رودخانه کارون به‌سوی میادین پالایشگاهی و صادراتی معرفی کرد که در گستره‌ای ۳ هزار و ۸۰۰ کیلومتری با تحت اختیار داشتن میادین مارون، کوپال و شادگان سهمی ۱۵ درصدی از تولید نفت خام کشورمان را دارا می‌باشد. وی در این گزارش به مهم‌ترین دستاوردهای شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون از زمان آغاز بکار دولت چهاردهم تاکنون پرداخت و توضیحات مختصری را در خصوص آنها ارائه داد.

**تولید، هم چشمی هم صیانتی**  
با انجام اقدامات موثر در حوزه تعمیر، ترمیم و توسعه چاه‌های تحت راهبری، جهش تولید ۴۵ هزار بشکه در روز را تحقق بخشیدیم؛ علاوه بر آن، با احداث ۱۸ کیلومتر خط لوله ۱۰ اینچ جهت انتقال نفت نمکی از واحد بهره‌برداری شماره ۵ به واحد بهره‌برداری شماره ۳ مارون، از کاهش تولید نفت به میزان ۲۵ هزار بشکه در روز در زمان تعمیرات اساسی مخزن اتلاف کننده و ۱۵ هزار بشکه در روز در حالت عادی جلوگیری کردیم؛ همچنین، احداث ۱۷ کیلومتر خط لوله ۱۰ اینچ انتقال نفت نمکی از واحد بهره‌برداری

الف به‌موازات کارخانه گاز و گاز مایع ۴۰۰ با هدف استفاده حداکثری از امکانات موجود را تحت تعمیرات اساسی قرار داده ایم که با انجام آن علاوه بر افزایش ۲ هزار بشکه ای در میزان استحصال مایعات، از ۱۰۰ میلیون فوت مکعب در روز گازسوزی شرکت‌های بهره‌برداری نفت و گاز مارون و آغاچاری با ارزش ۱۵۰ میلیون دلار در سال جلوگیری خواهد شد؛ همچنین، تعمیرات اساسی ایستگاه تزریق گاز کوپال را نیز در دستور کار قرار دادیم و تزریق روزانه ۷۵ میلیون فوت مکعب گاز خشک به میدان کوپال را تثبیت کردیم.

**تختگان نفت و گاز مارون در بخش ساخت خوش درخشیدند**  
شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد مهندسی شرکت را تک‌گیر برقی مجهز به میدان الکتریکی AC/DC با ظرفیت ۱۰ هزار بشکه در روز برشمرد که کاملاً توسط کارشناسان شرکت طراحی، ساخته و راه‌اندازی شد و نقشی کلیدی را در پایداری تولید و کیفیت نفت ایفا می‌کند. یکی دیگر از شاهکارهای مهندسی همکاران، طراحی و ساخت یک دستگاه تفکیک گر سیار نفت (MOS) با ظرفیت فراورش روزانه ۵ هزار بشکه نفت است که در نوع خود کم‌نظیر است. افزون بر این، تعمیر، انتقال، نصب و بهسازی ساختار داخلی و راه‌اندازی یک دستگاه تک‌گیر برقی فرسوده نم‌زدایی مارون ۱ با ظرفیت ۵۵ هزار بشکه در روز به واحد نم‌زدایی مارون ۵ جهت کنترل کیفیت نفت صادراتی نیز را در یکسال اخیر به انجام رساندیم؛ و پمپهای گریز از مرکزی را در مجتمع‌های صنعتی نصب و راه‌اندازی کردیم که ظرفیت تزریق روزانه پساب‌های نم‌زدایی به چاه‌های دفعی را تا ۱۵ هزار بشکه افزایش دادند. علاوه بر همه این موارد، ۶ هزار و ۶۱۳ قطعه موردنیاز ماشین‌آلات فرآیندی را با همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان و سازندگان داخلی بومی‌سازی کردیم.

**پروژه‌های شاخص مناطق نفتخیز در گستره نفت و گاز مارون**  
نخستین نسخه ایرانی توربین‌های گازی پیشرفته که به همت متخصصان داخلی و در نتیجه تعامل کارشناسان صنعت نفت و بخش خصوصی بومی‌سازی و ساخته شده است، در ایستگاه تقویت فشار شماره ۴ شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون نصب و با موفقیت



راه‌اندازی شد. نمونه‌های مشابه خارجی این توربین با توان ۴ هزار اسب بخار بخشی از کالاهای تحریمی به شمار می‌آیند، اما فرزندان ایران موفق شدند با انجام تغییرات، نسخه ایرانی توربین را با توان ۴ هزار و ۵۰۰ اسب بخار توسعه دهند که به نوبه خود نقشی مهم و حیاتی را در فرایند تولید به‌ویژه در بخش جمع‌آوری و فشارافزایی گازهای همراه ایفا می‌کند. شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب عملیات احداث یک واحد تصفیه‌خانه آب صنعتی با ظرفیت انتقال روزانه ۸ هزار مترمکعب به مجتمع‌های ششگانه مارون، کوپال و آب تیمور با اعتبار ۸.۵ میلیون یورو در محدوده جغرافیایی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون آغاز کرده است. این شرکت همچنین عملیات احداث پل بتنی کریدور روگذر رودخانه جراحی با اعتباری بالغ بر یک همت در دست اجرا دارد؛ بر روی این سازه خطوط حیاتی انتقال نفت و گاز از حوزه‌های غرب و شرق کارون به همراه تجهیزات وابسته مستقر خواهد شد؛ همچنین ظرفیت لازم برای توسعه خطوط لوله در آینده پیش‌بینی شده است.

مردم در اولویت همیگن، در یکسال اخیر بیشتر اقدامات شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی بسیار متنوع و پرشمار است؛ اما به طور خلاصه می‌توان گفت که خدمات شرکت در عمران، آموزش و فرهنگ تأثیر شگرفی بر جوامع محلی همجوار تاسیسات داشته است. در بخش توسعه زیرساخت‌های آموزشی، احداث ۶ کلاس درس در مدرسه نور بخش غیزانیه اهواز، احداث مدرسه ۳ کلاسه ملاصدرا در روستای شهید شجیرات بخش غیزانیه اهواز، بهسازی مدارس شهید رجایی روستای چمبه بخش غیزانیه اهواز، بهسازی مدرسه باقرالعلوم روستای طوبله کوچک در بخش غیزانیه اهواز، نوسازی مدرسه سوم شعبان روستای بیت باوی بخش مشراکه رامشیر، تامین و توزیع ۵ هزار بسته نوشت‌افزاری میان دانش‌آموزان کم‌برخوردار شاغل به تحصیل در مدارس همجوار تاسیسات، ارائه آموزش‌های ایمنی به دانش‌آموزان مدارس همجوار تاسیسات، آسفالت خیابان منتهی به مدرسه ملاصدرا روستای شجیرات و تخصیص ۲۱ دستگاه مینی بوس جهت تردد دانش‌آموزان رامشیر، رامهرمز و غیزانیه را مهم‌ترین اقدامات شرکت می‌دانم. علاوه بر این موارد، زیرسازی و آسفالت جاده مشترک چاه شماره ۱۰ شادگان و روستای فرح، نوسازی مسجد صاحب‌الزمان غیزانیه بزرگ، مرمت و بهسازی ۲ خانه بهداشت در بخش غیزانیه، ترمیم و بهسازی جاده



شرکت تولید نیرو برق رامین - امور تدارکات